

# راه حل افغانستان، نه در تمکین به طالبان که در توافق ملی و منطقه‌ای است!

جمعه، 9 ژوئیه 2021 - 23:16

هیئت سیاسی -  
اجرائی حزب چپ  
ایران (فدائیان خلق)

راه حل افغانستان،  
نه در تمکین به  
طالبان که در توافق  
ملی و منطقه‌ای  
است!

از ایستادگی جامعه  
مدنی و مقابله  
آزادخواهان  
افغانستان در برابر  
تهاجمات پشتمانی



## می کنیم!

کشور همسایه ما افغانستان در یکی از پیچ‌های تاریخی خود قرار گرفته است. دولت آمریکا کماکان سیاست ترک شتابان این کشور را پیش می‌برد و رهبری طالبان خلاف تعهدهای خود در دوحه و آستانه، عملاً ادامه جنگ داخلی را مقدم بر آغاز مذاکرات با دولت کابل قرار داده است. طی دو هفته اخیر نزدیک به هشتاد ولسوالی (بخش) و عمدتاً واقع در خطه شمال این کشور به تسخیر نیروهای طالب درآمده و این جریان "جهادی" حتی کوشیده است چند شهر را به تصرف خود درآورد و پایگاه هوایی استراتژیک بگرام را در اختیار گیرد که خوشبختانه تا این لحظه ناکام مانده است.

با آنکه روحیه ایستادگی تحسین برانگیز در جامعه مدنی افغانستان و به ویژه کلان شهرهای کشور و بیشتر هم پیش دختران و زنانی که به درستی از کابوس یک افغانستان طالبانی دیگر در رنج و هراس‌اند موج می‌زند، در نیروهای دولتی اما رشته وادادگی‌هایی را شاهد هستیم که بسی سئوال برانگیزند. توازن قوا از نظر نظامی، سیاسی و روانی، بر اثر برخی عقب نشینی‌ها و فرار دستجمعی پرسنل واحدهای نظامی و پناهندگی به کشورهای همسایه به نفع طالبان رو به تغییر گذاشته است. فساد بی اندازه دستگاه دولتی که توان مدیریت را از آن سلب کرده، اکنون خود را در زبونی و فرار از مسئولیت نشان می‌دهد.

اعتشاشات و فضای ابهام در مورد آینده نزدیک، اکنون در وضعیت دیپلماتیک کابل به وضوح بازتاب دارد. برخی سفارتخانه‌ها بسته شده‌اند و در تعدادی دیگر کاهش پرسنل و آمادگی برای ترک اضطراری این کشور دیده می‌شود. دولت آمریکا که سال ۲۰۰۱ نه با محوریت سازمان ملل متحد و زیر نظارت آن بلکه به رهبری و مرکزیت خود و حتی پیش از صدور قطعنامه شورای امنیت افغانستان تحت سلطه طالبان را مورد تهاجم قرار داد، اینک در پی نزدیک به سه هزار تلفات نظامی خود و شرکاء، به بهای قریب یک تریلیون دلار هزینه و از همه مهم‌تر به قیمت از دست رفتن جان ده‌ها هزار افغانستانی طی بیست سال گذشته، حالا سیاست هزیمت از خاک این کشور را پیشه کرده است. اگر آمریکا آن زمان بی مسئولیتی خود را در تبعیت از سیاست قدرت نمائی نظامی نو کانی نشان داد، اکنون اما نهایت بی مسئولیتی‌اش را در بردن مردم افغانستان زیر تیغ طالبان به تماشا می‌گذارد.

در این شرایط، کشورهای ذینفع در تحولات افغانستان با چند برابر کردن تحرکات سیاسی و حتی لجستیکی در تلاش هستند خلاء پدید آمده را پر کرده و سهم خود در ساختار قدرت جایگزین دولت فعلی را پیشاپیش تأمین و تضمین کنند. پاکستان، روسیه، کشورهای آسیای میانه، جمهوری اسلامی، چین، هند و حتی ترکیه به تکاپو برخاسته‌اند تا روند طالبانی شدن دوباره افغانستان را به نفع مصالح سیاسی، نظامی و اقتصادی خود رقم زنند. این البته، جای شگفتی ندارد چرا که سیر تاریخی این کشور مسئله افغانستان را به یک موضوع ژئوپولیتیکی در منطقه فراروانده است. درواقع تحقق ثبات سیاسی در افغانستان محصور قدرت‌های منطقه‌ای، صرفاً امر داخلی این کشور به حساب نمی‌آید. از زمان "بازی بزرگ قرن" در صد و پنجاه سال پیش تا به امروز و حتی فردا و در وجود اشکال متنوع.

جمهوری اسلامی که تاکنون بازی همزمان و سه جهته رابطه با دولت منتخب کابل، مناسبات با طالبان و حمایت ویژه از برخی نیروهای مجاهد غیر دولتی و ضد طالبانی را ادامه می‌داد، اکنون راهکار افزودن بر وزن نزدیکی بیشتر با طالبان را در پیش گرفته است. سیاست رژیم در قبال افغانستان که همواره بر محور آمریکا ستیزی و زمینگیر شدن آن در این سرزمین و ترک ناگزیر خاک این کشور قرار داشته و نه مبتنی بر مصالح و منافع پایدار مردمان دو کشور، اکنون در پی بهره‌برداری از خلاء ناشی از خروج آمریکا است. در این میان بر تحرکات نظامی اخیر حکومت در مناطق مرزی هم باید به عنوان پشتوانه‌ای برای برنامه‌هایش تأکید کرد. از جمله اینکه فقط از ۲ تا ۱۲ تیرماه، تیپ ۲۸ زرهی تربت جام و تیپ ۱۵۸ تکاور واکنش سریع شاهرود به همراه پایگاه پنجم رزمی هوانیروز ارتش در مشهد، در کنار شماری از پرسنل نیروی زمینی سپاه و تجهیزات زرهی آن در بیرجند مستقر شده‌اند.

جمهوری اسلامی به لحاظ دیپلماتیک نیز اخیراً میزبانی دو هیئت مذاکره کننده دولت کابل و طالبان در تهران از سوی محمد جواد ظریف را داشت که به صدور اعلامیه مشترک این دو هیئت منجر شد. اعلامیه‌ای که بر لزوم توافقات بیشتر طرفین و برقراری صلح در افغانستان تأکید دارد و از "تلاش مثبت" جمهوری اسلامی در این راستا قدردانی می‌شود. این، مورد رضایت بایدهم قرار گرفته است. این تحرک دیپلماتیک در حالی جریان دارد که در فردای امضای این اعلامیه، یعنی همین امروز گذرگاه مرزی مهم دو کشور موسوم به اسلام قلعه از دست دولتی‌ها خارج شده و به اشغال طالبان درآمده است.

این یک نیاز سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای ایران ما است که نسبت به تحولات کشور دیوار به دیوار خود با طول مرزی نزدیک هزار کیلومتر حساسیت ویژه داشته باشد و خود را در سرنوشت آن ذینفع بداند. همسایگانی که به یک حوزه فرهنگی دیرینه تعلق دارند، از همزبانی بهره می‌برند، واقع در مسیر جاده کمربندی ابریشم هستند، مسایل حساس آبی و ترانزیتی حیاتی میان آنان وجود دارد، ارتباطات اقتصادی مهمی این دو را بهم وصل می‌کند و مهم‌تر از همه اینکه ایران در حال حاضر پناهگاه و میزبان دستکم نزدیک به سه میلیون افغانستانی است. بنابراین در صورت ورود ایران به

روندهای جاری در افغانستان نه کمترین تردید وجود دارد و نه امری است که بخواهد به تعیین تکلیف مردم ایران با جمهوری اسلامی گره بخورد. سیاست ایران نسبت به افغانستان مسئله همین امروز ایرانیان است.

این واقعیتی است که تحولات سیاسی کنونی در افغانستان چشم انداز نگران کننده و تیره‌ای را نشان می‌دهد و انواع خطرات در کمین آن نشسته است. از تشدید جنگ داخلی و بی ثباتی سیاسی باز هم بیشتر تا تقابل‌های خونین قومی، قدرت‌گیری ارتجاع مذهبی و قبیله‌ای، و بازپس گیری دستاوردهای مدنی و سیاسی از جامعه افغانستان. شبیح گسترش فقر و فاقه در فقدان تولید صنعتی و کشاورزی حداقل و کور شدن منابع کانی آن و اینها نیز در شرایطی که تریق بیست ساله دلار به این کشور، در حال قطع شدن و یا دستکم فروگاهی بنیادی است. جلوگیری از این وضع دهشتناک که پیامدهای آن از جمله می‌تواند خیز تازه و گسترده پناهندگی به ایران باشد، موضوع محوری لحظه حاضر در رابطه با افغانستان است. افغانستانی که درگیر بیش از چهل سال جنگ است و دچار فلاکت‌های خانمانسوز.

حزب چپ ایران (فدائیان خلق) با حساسیت و نگرانی تمام اوضاع افغانستان را تعقیب می‌کند و برآنست که همه نیروهای ترقیخواه کشورمان لازم است با این بحران بزرگ از جایگاه منافع مردمان دو کشور و صلح در منطقه روبرو شوند. هر راه حلی که بخاطر منافع مقطعی تنگ نظرانه این یا آن دولت خارجی به جریان واپسگرایی آزمایش پس داده طالبان امتیاز دهد و با تن دادن به تمایلات "امارات اسلامی" به سازش با آن درآید، معایر منافع مردم افغانستان است. اینکه طالبان متکی بر عقب ماندگی مفرط جوامع قبیله‌ای این کشور و برخوردار از پشتیبانی تنگاتنگ نظامیان پاکستان و پول و مذهب سعودی‌ها و قطر، واقعیتی جدی در این کشور است که روند صلح افغانستان بدون آن بی معنی است، جای شک ندارد و امری کاملاً پذیرفتنی است. اما رفتن زیر تحمیلات آن نیز، چیزی جز قربانی کردن ارزش‌های انسانی و مدنی نونهال و نوپای افغانستان نیست. این غلو که طالبان با آن طالبان ۲۵ سال پیش زیاد فرق دارند واقعیت ندارد. امید را به جامعه مدنی افغانستان باید بست و روی آن حساب کرد.

ما، صلح در افغانستان را امر منطقه‌ای می‌دانیم، همانگونه که تداوم بحران چند وجهی و جنگ در این کشور را تهدیدی علیه همه منطقه ارزیابی می‌کنیم. امنیت در افغانستان اگر بر متن تفاهم کشورهای این خطه و اجتناب از فرون خواهی‌های هر کدام آنها صورت نگیرد و هرگاه بر بقای دمکراسی حداقل و تضمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی متکی نشود، نه حاوی صلح که آستن آتش افروزی بیشتر است. آرزوی ما برای مردم افغانستان برون رفت از مهلکه کنونی است و در این لحظات خطیر خود را موظف می‌دانیم تا بیش از پیش بر پشتیبانی‌مان از ایستادگی مدنی و هشیاری سیاسی نیروهای ترقیخواه و دمکرات افغان پای ب فشاریم.

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۱۸ تیر ماه ۱۴۰۰ برابر با ۹ ژوئیه ۲۰۲۱